

A Sociological Study of the Factors Affecting Knowledge Sharing with an Emphasis on Cyber Ethics (Case of Study: Graduate Students of the University of Tabriz)

Davood ghasemzadeh¹

Abstract

Purpose: One of the issues that scientific communities in universities and higher education centers are seriously facing is knowledge sharing, which plays an essential role in the development of academic social capital. One of the influential variables in knowledge sharing is cyber ethics and its components.

Therefore, the purpose of this research is to investigate the Factors affecting knowledge sharing with an emphasis on cyber ethics.

Method: The current research was conducted with a quantitative approach and a survey technique. Its statistical population includes 5589 graduate students of Tabriz University, and 650 people have been selected as the sample size using proportional stratified sampling. The data was collected through a questionnaire and analyzed using Spss software.

Findings: The research findings indicate that there is a positive and significant correlation between cyber ethics and its dimensions with knowledge sharing and its dimensions. The results of the Pearson test show that there is a positive and significant correlation between the variables of social trust, organizational culture, religiosity and knowledge sharing. The results of the regression analysis showed that 29% of the variance of knowledge sharing is explained by the variables of social trust, organizational culture and cyber ethics.

Results: Based on the findings of this research, it is inferred that knowledge sharing is influenced by factors and variables at different levels. Enhancing cyber ethics, a positive organizational culture, social trust, and religiosity as effective factors in strengthening knowledge sharing among university students should be considered.

Keywords: Knowledge sharing, cyber ethics, religiosity, social trust, organizational culture.

1. Assistant professor, Department of social science education, Farhangiyani University
Tehran, Iran. D.ghasemzadeh@cfu.ac.ir

مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش با تأکید بر اخلاق سایبری (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز)

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

داود قاسم زاده^۱

چکیده

هدف: یکی از مسائلی که اجتماعات علمی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی با آن مواجهه جدی دارند، اشتراک دانش است که نقش اساسی را در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی دارد. یکی از متغیرهای تأثیرگذار در اشتراک دانش، اخلاق سایبری و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن میباشد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش با تأکید بر اخلاق سایبری است.

روش: پژوهش حاضر با رویکرد کمی و شیوه پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری آن شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز به تعداد ۵۵۸۹ نفر بوده و با استفاده از شیوه نمونه گیری طبقه‌ای متناسب ۶۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. داده‌ها از طریق پرسشنامه استاندارد اعتماد اجتماعی، فرهنگ سازمانی دنیسون، اخلاق سایبری ماسروم، دینداری گلاک و استاک و اشتراک دانش گردآوری و با استفاده از نرم افزار Spss تحلیل شده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق حاکی از این است که بین اخلاق سایبری و ابعاد آن با اشتراک دانش و ابعاد آن همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، فرهنگ سازمانی، دینداری و اشتراک دانش همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ۲۹ درصد از واریانس اشتراک دانش به وسیله متغیرهای اعتماد اجتماعی، فرهنگ سازمانی و اخلاق سایبری تبیین میشود.

نتایج: براساس یافته‌های این پژوهش چنین استنباط میشود اشتراک دانش تابعی از عوامل و متغیرها در سطوح مختلف است. ارتقای اخلاق سایبری، فرهنگ سازمانی مثبت، اعتماد اجتماعی و دینداری به مثابه عوامل مؤثر در تقویت اشتراک دانش در بین دانشجویان دانشگاه باید مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: اشتراک دانش، اخلاق سایبری، دینداری، اعتماد اجتماعی، فرهنگ سازمانی.

مقدمه و بیان مسئله

در جهان متحول کنونی و به قول آلوین تافلر دوره جابجایی قدرت، بحث مدیریت سرمایه فکری و داراییهای ناملموس سازمانها بعد از طرح موضوعات مهندسی مجدد در دهه ۸۰ و مدیریت کیفیت در دهه ۹۰ به طور گسترده ای تحولات مدیریت را تحت تأثیر قرار داده است. در این میان، جدیدترین پارادایمی که در علوم مطرح شده است، موضوع مدیریت دانش و اشتراک دانش هم یکی از مؤلفه‌های اساسی آن است که به‌عنوان «فعالیتی نظاممند به منظور انتقال و مبادله دانش و تجربه بین اعضای یک گروه یا سازمان با یک هدف مشترک تعریف می‌شود» (پرندی، ۱۳۸۸:۲). اشتراک دانش به‌عنوان فرآیند مبادله دانش نظیر مهارتها، تجربیات و فهم بین پژوهشگران، سیاستگذاران و تامینکنندگان خدمات تعریف می‌شود. نوناکو و تاکوچی (۲۰۰۷) بر این عقیده هستند که دانش با به‌کارگیری استعارات، مفاهیم، فرضیه‌ها، مدلها و الگوها با دیگران به اشتراک گذاشته میشود. به یک معنا، اشتراک دانش، فرآیند ارتباط بین دو یا چند فرد است که شامل انتقال و کسب دانش میشود (جباری و همکاران، ۱۴۰۳:۷۸).

در محیط دانشگاهی و مراکز آموزشی، اشتراک دانش یک عنصر کلیدی است، برای اینکه همه اعضای آن غالباً با دانش درگیر هستند (تریهان و کوشاواها، ۲۰۱۲:۲۵۳). ادراک دانشگاهیان و تمایل و اشتیاق آنها به اشتراک‌دانش بخش مهمی از فرآیند مدیریت دانش را تشکیل میدهد (عبدالله و همکاران^۲، ۲۰۱۱:۲۳۱). در این راستا، گاتین (۱۹۹۹) معتقد است اشتراک دانش در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی دارای اهمیت زیادی است برای اینکه اعضای هیئت علمی و دانشجویان در فعالیتهای خود به‌صورت دایمی در فرآیند خلق، نشر و یادگیری دانش درگیر هستند؛ با این وجود، کامیابی و موفقیت مؤسسه‌های آموزش عالی اصولاً وابسته به سرمایه فکری اعضای هیئت علمی و قابلیت‌های آنان برای رشد و بقا در یک محیط پویاست. برای این منظور، اعضای هیئت علمی و دانشجویان باید نقش در حال تغییر خود را در جامعه دانایی محور شناخته و به آن پاسخ مناسب دهند. این امر، نیازمند درگیر شدن همه آنها و کلیه فراگیران در فرآیند مدیریت دانش و کوشش برای تغییر پارادایم قبلی «دانش قدرت است» به پارادایم جدید «اشتراک دانش قدرت است» می‌باشد (حسین قلی‌زاده و میرکمالی، ۱۳۸۹:۶۳). اگرچه برخی اعتقاد دارند که دانش قدرت است، ولی به نظر می‌رسد دانش به خودی خود، قدرت نیست بلکه چیزی که به افراد قدرت می‌دهد، آن بخشی از دانش آنهاست که با دیگران به اشتراک گذاشته میشود (مک درموت^۳، ۲۰۰۱:۸۰).

1. Trehan & kushwaha
2. Abdullah et al
3. McDermott

برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که اشتراک دانش در دانشگاهها به‌خصوص بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی چندان اتفاق نمی‌افتد، زیرا فرهنگ دانشی اغلب آنها ماهیتاً فردگراست (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۲؛ قاسم زاده و علیزاده اقدم، ۱۴۰۳؛ واله و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۸۹) و هر کس دانش را در نزد خود حفظ می‌کند و این موضوع بیشتر تحت تأثیر نگرش و باور دانشجویان نسبت به اشتراک دانش است. نگرشهای مثبت و منفی افراد بر رفتار اشتراک دانش آنها تأثیر دارد (باقری مالک آبادی و طاهری، ۱۳۹۹: ۲۵). با مروری بر مطالعات و پژوهش‌های گذشته مشخص می‌شود که میزان اشتراک دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی وضعیت مطلوبی ندارد (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سلیمی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین، عوامل و متغیرهای زیادی هم بر این مسأله تأثیرگذار است. در این پژوهش، متغیرهای اخلاق سایبری، دینداری، اعتماد اجتماعی و فرهنگ سازمانی مورد بررسی قرار گرفته و واضح است که بسیاری از متغیرهای تأثیرگذار بر اشتراک دانش در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان تأثیرگذار است که این پژوهش به آنها نپرداخته است. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال مطالعه جامعه شناختی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش با تأکید بر نقش اخلاق سایبری است.

چارچوب نظری

پیتر دراکر^۱ (۱۹۹۳) بر این اعتقاد است که مهمترین منبع ثروت در جامعه فراسرمایهداری، دانش و اطلاعات است. وی سه انقلاب اساسی را در قرن بیستم پیشبینی کرده است. انقلاب اول، انقلاب صنعتی است که در آن، از دانش برای تولید ابزارها و فرآوردها و محصولات استفاده شد. انقلاب دوم، بهرهوری است که افرادی مانند تیلور و فورد اقدام به استفاده از دانش برای نیروی کار کردند. انقلاب سوم، انقلاب مدیریت است که در آن از دانش به خاطر خود دانش استفاده میشود. دراکر بر این باور است که تا زمانی که دانش موجود است، سایر عوامل تولید به راحتی قابل دسترس می‌باشد. موج چهارم حیات تاریخی انسان با ورود به عصر مجازی و مفاهیم تازه‌ای چون جامعه معرفتی، اقتصاد دانایی محور، مدیریت دانش و .. در حال شکل‌گیری است. برخورداری از ابزارهای اطلاعاتی و امکانات ارتباطی متناسب و مناسب با شرایط جدید، شرط بقاء در این دوره است. مک لوهان (۱۹۹۹) معتقد است، انقلاب اطلاعاتی با ظهور منابع دیجیتال و ابزارهای ارتباطی، همه زوایای زندگی انسان معاصر را دچار تغییرات اساسی کرده است. ورود به عصر اطلاعات، گسترش ابزارها و کاربردهای فناوری نوین ارتباطات و اطلاعات سبب شکل‌گیری رویکردی جدید در امر

1. Peter Drucker
2. Taylor & Ford

آموزش شده است. فناوری اطلاعات به عنوان یک رسانه جدید، براساس نظریه «مک لوهان» که «رسانه همان پیام است» حاوی پیامها و مفاهیمی برای توسعه جامعه اطلاعاتی به جامعه دانش محور است که سرعت و استمرار آن در موج چهارم حیات بشر به وسیله مفهوم «مدیریت دانش» صورت می گیرد (زمردیان و رستمی، ۱۳۸۹: ۴۸). یکی از ابعاد مدیریت دانش، اشتراک دانش است که برخی از صاحب نظران بر آن تأکید دارند. مدل دانش آفرینی نوناکو (۱۹۹۵) نیاز به مدیریت دانش صریح و ضمنی با همدیگر و تعاملات بین این دو را در مدلی که «دانش آفرینی» نامید، مطرح کرد. او بر اهمیت تبدیل دانش ضمنی به صریح در سازمانها تمرکز داشت که در دسترس دیگران قرار دادن این دانش به واسطه فرآیندی که دربرگیرنده پیوند ایده های به ظاهر نامرتبط یا متناقض، منطقی سازی و نظم دادن به ایده ها و توسعه مدلی که بتوان آن را با دیگران به اشتراک گذاشت، کمک می کند (نوناکو، ۲۰۰۷). این تبدیل دانش ضمنی به صریح است که سازمان نوآور را به وجود می آورد و به اشتراک و تبادل دانش برای موفقیت سازمانی منجر می شود. در نهایت، دانش ضمنی، آشکار می شود و دانش در یک فرآیند چرخه های توسعه می یابد و به صورت معمول درمی آید. بسیاری از پژوهشگران اظهار داشتند که اشتراک دانش در موفقیت سازمانی، حیاتی است. به باور کسل، کراتزر و شولتز^۲ (۲۰۱۲)، اشتراک دانش یک فرآیند ارتباطی تعاملی بین افراد در یک گروه است که روابط متقابلی را برای دستیابی به اهداف مشترک ایجاد میکند. پناهی، واتسون و پاتریج^۳ (۲۰۱۲) بر این باور بودند که اشتراک دانش، فرآیندی از تعامل اجتماعی است که فرصتهایی را جهت اشتراک تجربیات از طریق ایجاد حوزه های روابط غیررسمی، فراهم آوری امکانات برای مشاهده، گوش دادن و تقلید از بهترین روشها فراهم میکند. اشتراک دانش، هسته و اساس مدیریت دانش است. فعالیتهای تسهیم دانش مانند اشتراک تجربیات و دانش، به افراد کمک می کند تا مشکلات کاری را براساس تجربیات موجود حل کنند. به این ترتیب، از اشتراک دانش افراد، دانش کاری بیشتری برای بهبود اثربخشی، عملکرد و کارآیی فرآیندهای کاری به دست می آید. افزایش فعالیتهای اشتراک دانش بر افزایش عملکرد فردی نیز تأثیر میگذارد (بیرانوند و همکاران، ۲۴۴: ۱۴۰۳).

گور و شارما^۴ (۲۰۱۹) بر این عقیده بودند که «داشتن دانش بی معناست، مگر اینکه به اشتراک گذاشته شده و به دیگران اجازه داده شود که از آن استفاده کنند. تولید و اشتراک دانش با دیگران یکی از نکات کلیدی تعلیم و تربیت است. در واقع، قبل از دوران نوشتاری،

1. Nonakoo
2. Kessel, Kratzer & Schultz
3. Panahi, Watson & Partridge
4. Gure & sharma

اندیشمندان دانش را به اشتراک می‌گذاشتند و با استفاده از دانش موجود، دانش جدید را توسعه می‌دادند. اگرچه، اشتراک این دانش با دیگران برای موفقیت سازمانی، ضروری است ولی با موانعی هم مواجه است. این موانع احتمالاً دربرگیرنده فرهنگ (سازمانی، فردی، ملی)، سطوح اعتماد بین اعضای سازمان، تعهد زمانی درک شده یا واقعی، پشتیبانی مدیر، بودجه برای ابزارهای مدیریت دانش و سطوح مختلف تمایل به استفاده از فناوری مدیریت دانش می‌باشد (ال-کوردی و همکاران، ۲۰۱۸؛ مازورودز و باکلی^۱، ۲۰۱۹). بنابراین میتوان چنین برداشت کرد که فرهنگ سازمانی منفی می‌تواند مانعی جدی در مسیر اشتراک دانش عمل کند و فرهنگ سازمانی مثبت می‌تواند نقش مؤثری در این زمینه ایفاء کند. الوسون (۲۰۰۲) پیش‌زمینه‌های را از طریق تشریح اهمیت فرهنگ در بسیاری از جنبه‌های سازمان طرح کرد. وی بر روی تحول فرهنگی و نیاز برای اشتراک دانش به‌عنوان بخشی از آن تحول تأکید داشته و فرهنگ را به عقاید، ارزشها و ایده‌های گروهی از مردم، مرتبط کرد. درحالی‌که برخی پژوهشگران بر این باورند که فرهنگ برای تسهیم دانش مهم به شمار می‌آید، سایرین معتقدند که تنها الزام تسهیم دانش، فرهنگ است. فرهنگ مبتنی بر دانش، فرهنگ دانش دوستانه نامیده میشود که در مرکز مدیریت مؤثر دانش کارکنان قرار دارد. اجتماعی که به‌عنوان مرجع مشترک برای کارکنان هنگام خلق و به‌کارگیری دانش، برای موفقیت اقدامات مدیریت دانش حیاتی است چنین فرهنگی موجب خلق و اشتراک دانش، بهبود اقدامات رسمی و غیررسمی مدیریت دانش، ارتقاء رضایت و عملکرد کارکنان، رشد یادگیری سازمانی مستمر و افزایش توانایی نوآوری و اثربخشی سازمان میشود. بنابراین، تحلیل متقابل فرهنگ مبتنی بر دانش و تفاوت‌های فردی برای درک بهتر اشتراک دانش، حیاتی است (شیرازی و همایونی راد، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در پژوهش حاضر، متغیر اعتماد اجتماعی است. گیفن^۲ (۲۰۰۳) بر این عقیده است که اعتماد، باور به توانایی، یکپارچگی و نوع دوستی افراد دیگر است. اعتماد به‌واسطه رویدادهای مطلوب گذشته، توسعه می‌یابد و به سمت توقعات و انتظارات مثبت نسبت به فعالیتهای آینده پیش میرود. زمانی که اعتماد به‌وجود می‌آید، فضای اشتراک دانش شکل می‌گیرد که تمایل اعضا به مشارکت در تعاملات اشتراک دانش همکاری‌جویانه را افزایش میدهد (ییون و همکاران^۳، ۲۰۱۵: ۴). اشتراک دانش به‌صورت گسترده در زندگی روزمره وجود دارد و براساس اعتماد متقابل، تداوم می‌یابد. اگرچه، زمانی که اطلاعات و دانش به‌عنوان یک دارایی ارزشمند تلقی میشود و پنهان کردن و نگهداشت

1. Al-Kurdi & Mazorodze & Buckley
2. Gifen
3. Yeon et al

اطلاعات هم مورد توجه خواهد بود (چن و کو^۱، ۲۰۱۷:۳).

به نظر می‌رسد که در استقرار و شکل‌گیری اشتراک دانش، اخلاق سایبری هم نقش مؤثری دارد و در این پژوهش هم تمرکز اصلی بر ارتباط اخلاق سایبری با اشتراک دانش است. اخلاقیات، اصول یا استانداردهای رفتار انسان است. ضرورت رعایت اخلاق در رسانه‌ها و فرآیند ارتباطات، نسبت به دیگر حرفه‌ها، اهمیت بیشتری دارد. برای اینکه حرفه‌های دیگر به گستردگی قلمرو این حوزه نیستند. اخلاق سایبری به مسائلی از اخلاق می‌پردازد که کاربرد و گسترش ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی و رشد و توسعه به‌کارگیری رایانه موجب آن شده است. اخلاق رایانه‌ای از مباحثی است که در اخلاق کاربردی مطرح می‌شود که به ارزشهای عملی رفتار انسانها در حوزه‌های خاص مربوط می‌شود. این حوزه از اخلاق بر آن است که پاسخگوی پرسشهای مرتبط با بنیانهای ارزشی رفتارها و مسئولیتهای افراد در حوزه فناوری اطلاعات است. به یک معنا، اخلاق سایبری دربرگیرنده ماهیت و بنمایه‌های قضاوت اخلاقی، استانداردهای رفتاری قواعد رفتاری در استفاده از فناوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری است (پورقهرمانی، ۱۳۹۱:۸۰). کنفرانس سران کشورهای صنعتی در ژاپن، فناوری‌های اطلاعاتی را به مثابه توانمندترین نیروی شکل‌دهنده قرن ۲۱ معرفی و از تأثیر این فناوریها بر شیوه‌های زندگی، یادگیری، کار افراد و موتور اصلی رشد اقتصاد جهانی بحث کرده‌اند. گرچه رشد روزافزون فناوری و گسترش اینترنت، موجب رفاه بشر شده ولی در عین حال همراه با مخاطراتی است. عدم رعایت مسائل اخلاقی در کاربری، پدیده‌های غیراخلاقی متعددی نظیر نفوذ به رایانه‌های شخصی و اداری، دسترسی غیرقانونی به منابع اطلاعاتی و مالی، انتشار افکار و رفتارهای غیراخلاقی و سوء استفاده‌های دیگر را به‌وجود می‌آورد (صادقی آران و همکاران، ۱۳۹۲:۶۱).

اخلاق سایبری از چالشهای عملی است که ریشه در تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر جامعه معاصر دارد. در طول سالین، سوء استفاده و رفتار غیراخلاقی نسبت به فناوری اطلاعات موجب ضرر و زیانهای بزرگی در تجارت و جوامع دارد (لئونارد و کرونان^۲، ۲۰۰۵:۱۱۵). در حالت کلی، تعامل سایبری حاکی از روابط متقابل افراد در فضای سایبری است، فضایی که بر پایه ارتباط دیجیتال، فناوریهای اطلاعاتی و اینترنتی، ایمیلها و محیطهای پیرامون مانند چت روم و همچنین سیستمهای تصویرسازی دیجیتال شناخته می‌شود. این نوع تعامل بیشتر به دادوستدی اشاره دارد که از طریق اینترنت به وقوع می‌پیوندد. این دادوستد در دنیایی تجربه می‌شود که شبکه‌های الکترونیک ارتباطات متقابل بستر آن را فراهم نموده و بر محدوده تعامل و هدف تعامل اثر می‌گذارد. اثرگذاری فضا به گونه‌ای است که اغلب خود

1. Chen & kuo

2. Leonard and Cronan

تعامل به‌عنوان هدف از سوی تعاملگران پذیرفته می‌شود (کوشا، ۱۳۹۱: ۲۲). اخلاق سایبری از مباحثی است که در اخلاق کاربردی، مطرح می‌باشد. اخلاق کاربردی از زیرشاخه‌های فلسفه اخلاق است که به ارزشهای عملی رفتار انسانها در حوزه‌های خاص مربوط می‌شود. این رشته سعی دارد به پرسشهایی پاسخ دهد که مرتبط با بنیانهای ارزشی رفتارها و مسئولیتهای افراد در حوزه فناوری اطلاعات است. به عبارت دیگر، اخلاق سایبری دربرگیرنده ماهیت و بنمایه‌های قضاوت اخلاقی، استانداردهای قواعد رفتاری در استفاده از فناوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری است (صادقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲).

به منظور بسط و توسعه فهم بهتر از اخلاق سایبری، تعدادی از پژوهشگران چارچوبی را طرح کردند که پدیده را تعیین و ابعاد آن را مشخص کردند. تاکسونومی میسون (۱۹۸۶) درباره اخلاق سایبری برای مثال، حریم خصوصی، دقت، مالکیت و دسترسی در بین پژوهشگران خیلی معروف می‌باشد. چهار مؤلفه اخلاق سایبری کلیدی میسون در زیر تشریح می‌شود:

الف) حریم خصوصی: موضوع حریم خصوصی از اطلاعاتی ناشی می‌شود که افراد درباره خودشان یا ارتباطات خود آشکار می‌سازند و شرایطی که این نوع از اطلاعات را دربرمی‌گیرد، آشکار و اینکه چگونه حفظ می‌شود. این رویکرد به روشنی به یک رابطه نزدیک بین حریم خصوصی و اطلاعات فردی در عصر اطلاعات اشاره می‌کند. توانی و مور^۱ (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند که حریم خصوصی برحسب دسترسی محدود به اطلاعات فردی و نه کنترل تعریف شده است. امروزه، قانون حریم خصوصی معمولاً در مرکز قانون جمع‌آوری، نگهداشت، پردازش، استفاده و جریان اطلاعات فردی قرار دارد. ب) دقت: موضوعات دقت اشاره بر صحت داده‌ها و اطلاعات درسیستمهای اطلاعات دارد. سیستم‌های که اطلاعات مرتبط با افراد را جمع می‌کنند در صورتی که اطلاعات نادرست باشد، تصاویر نادرستی از فرد به دست می‌آید. بنابراین، نیاز به مسئولیت و پاسخگویی به منظور تضمین صحت، صداقت و دقت اطلاعات وجود دارد. دقت و صحت اطلاعات احتمال دارد مسئولیت برای قابلیت قبول و دقت برای اطلاعات، پاسخگویی در قبال اشتباهات، مسئولیت در قبال نگهداشت اطلاعات صحیح و کنشهای چاره‌ساز را در برمی‌گیرد. ج) مالکیت: دارایی و هزینه اطلاعات و کانال‌های انتقال آن را نشان می‌دهد. یکی از حوزه‌های موردبحث در مورد اخلاق سایبری مربوط به حقوق مالکیت فکری در خصوص مالکیت نرم‌افزاری می‌باشد (متینسون و ما^۲، ۲۰۰۹: ۸۱۹). پ) دسترسی: موضوع دسترسی به اینکه یک فرد یا سازمان چه اطلاعاتی برای به‌دست آوردن و تحت چه شرایطی و چگونه حفظ می‌شود. دسترسی با حقوق، مسئولیتهای و مزایایی برای به

1. Tavani and Moor
2. Matinsons and Ma

دست آوردن یا دریافت اطلاعات خاص همراه می‌باشد (اومر و همکاران^۱، ۲۰۱۲).

پیشینه پژوهش

واله و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با روش همبستگی در بین کارکنان دانشگاه‌های فنی مهندسی تهران به این نتیجه رسیده‌اند که فضای روانشناختی سازمانی با رفتار اشتراک دانش رابطه معنی‌داری دارند. براساس یافته‌های این پژوهش، مزایای اشتراک دانش بر رفتار اشتراک دانش به صورت مستقیم تأثیر معنیداری ندارد ولی با نقش میانجی فضای روان‌شناختی سازمانی می‌تواند بر رفتار اشتراک دانش تأثیرگذار باشد.

اندایش (۱۴۰۳) در پژوهشی با روش توصیفی و تکنیک پیمایش با هدف بررسی تأثیر اعتماد و تعهد بر تسهیم دانش و کاربرد آن انجام داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اعتماد حرفه‌ای و تعهد عاطفی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر تسهیم دانش دارند و تعهد مستمر و اعتماد شخصی بر تسهیم دانش تأثیری ندارند. براساس یافته‌های این پژوهش، تسهیم دانش تأثیر مثبت و معنی‌داری بر کاربرد دانش دارد.

ارسطوپور و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان سنجش فرهنگ سازمانی و موانع اشتراک دانش با رویکرد کمی و تکنیک پیمایشی در بین ۶۳ نفر از اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاه فردوسی مشهد به این نتیجه رسیدند که خرده فرهنگ‌های سازمانی در جامعه مورد مطالعه تفاوت معناداری با هم داشته و به ترتیب سه فرهنگ بروکراتیک، مشارکتی و انطباق‌پذیر در آن حاکم است. همچنین مؤلفه‌های فرهنگ بروکراتیک نسبت به سایر خرده فرهنگ‌ها از رتبه بالاتری برخوردار بوده و بین موانع اشتراک دانش در جامعه مورد بررسی تفاوت وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد که عوامل انسانی و راهبردهای رهبری، مهم‌ترین گروه‌های موانع اشتراک دانش در جامعه پژوهش بودند.

انصاری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با رویکرد کیفی و تکنیک مصاحبه عمیق در بین خبرگان دانشگاهی در تهران به این نتیجه رسیده‌اند که در تسهیم دانش، عوامل فناورانه، عوامل انگیزشی و زمینه‌های سازمانی به مثابه مقوله‌های علی، تسهیم دانش آشکار و ضمنی و سازمان یادگیرنده به عنوان مقوله‌های محوری، کسب و خلق دانش، انتقال و اشتراک‌گذاری دانش، راهبرد برنامه‌ریزی استراتژیک به مثابه مقوله‌های راهبردی و عوامل زمینه‌ای - بازرسی و کنترل توسعه فرهنگ دانش به عنوان شرایط زمینه‌ای و فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی و توسعه منابع انسانی شرایط مداخله‌گر و مقوله‌های افزایش بهره‌وری، پیشرفت فردی و شغلی، ثبات اقتصادی و مالی به مثابه پیامدهای تسهیم دانش از اظهارات مشارکت‌کنندگان به دست آمده است.

عباس زاده و قاسم زاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان اشتراک دانش؛ حلقه مفقوده در اجتماعات با رویکرد کیفی و شیوه نظریه داده بنیاد به این نتیجه رسیدند که هفت عامل مهم از دیدگاه اعضای هیات علمی در رابطه با اشتراک دانش عبارت‌اند از: شکاف بین نگرش دینی و عمل، احساس قدرت از طریق حبس دانش، ضعف در سرمایه اجتماعی دانشگاهی، ترس از کپی برداری، نامطلوبیت خدمات دانشگاهی و فقدان عناصر برانگیزاننده. مقوله مرکزی در این پژوهش، مفهوم حبس دانش است.

هرمان و گیگلیوتی^۱ (۲۰۲۵) در پژوهشی با روش مرور نظاممند و فراتحلیل به این نتیجه رسیدند که متغیرهای فردی نظیر نگرش، رفتار و انگیزش و متغیرهای سازمانی نظیر فرهنگ، اعتماد و معنویت سازمانی بر تسهیم دانش تأثیر دارند. با بررسی فرآیند پویای مدیریت دانش در مراکز علمی و دانشگاهها، یافته‌های این پژوهش بر نقش حیاتی کارکنان دانشگاه در پرورش ظرفیت رهبری فردی و جمعی تأکید میکند.

گار و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان تحلیل ارتباط بین اخلاق و فرهنگ دانش در بخش فناوری اطلاعات هند که با رویکرد کمی انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که مدل *primes* تأثیر مستقیم بر فرهنگ ایجاد دانش، فرهنگ اشتراک دانش و فرهنگ ذخیره‌سازی دانش و کاربرد دانش دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که مسائل اخلاقی تأثیر منفی بر سه سازه اشتراک دانش یعنی فرهنگ ایجاد دانش، فرهنگ اشتراک دانش و فرهنگ ذخیره و کاربرد دانش دارد.

در یک مطالعه اکتشافی در رابطه با رفتار اشتراک دانش دانشجویان دانشگاهی در سنگاپور، ناتان و همکاران (۲۰۱۷) با حجم نمونه ۲۱۷ به این نتیجه رسیدند که دانشجویان سنگاپور به طور کلی اجتماعی هستند و نسبت به اشتراک‌گذاری دانش در بین همکلاسان خود نظر مساعدی دارند. آنها زمانی که اطلاعات را از همکلاسان خود میگیرند، سطح بالایی از اعتماد را نشان میدهند (ناتان و همکاران، ۲۰۱۷).

اولایسن و ری وانگ^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان پویایی حقوق مالکیت فکری در رابطه با اعتماد، اشتراک دانش و نوآوری در گروههای پروژه‌ای به این نتیجه رسیدند که حقوق مالکیت فکری در ایجاد و نگهداشت اعتماد در گروه خیلی اهمیت دارد. کاربست‌های نظری یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حقوق مالکیت فکری، اعتماد، تعهد و نگرش به بسترسازی نسبت به اشتراک دانش و نوآوری را افزایش می‌دهد (اولایسن و همکاران، ۲۰۱۷).

پالو و چارلز (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان مطالعه عوامل مؤثر بر قصد اشتراک دانش

1. Herman & Gigliotti
2. Olaisen & revang

فروشنندگان پرداختند. نتایج پژوهش آنها حاکی از این بود که هنجارهای ذهنی و نگرش نسبت به اشتراک دانش تأثیر زیادی در قصد و نیت فروشنندگان در اشتراک گذاری دانش دارد. در بین متغیرهای تأثیرگذار، بهبود اعتبار درک شده بیشترین تأثیر را دارد. این امر نشان می‌دهد که افراد قبل از درگیر شدن در اشتراک دانش به برآورد سود و زیان آن می‌پردازند. همچنین نتایج نشان داد که اشتراک دانش دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری با حس خود ارزشمندی و شرایط سازمانی می‌باشد. براساس نتایج این مطالعه رابطه منفی و معنی‌داری بین محرک‌های سازمانی درک شده و نگرش به اشتراک دانش وجود دارد (پالو و چارلز^۱، ۲۰۱۶).

روش شناسی

پژوهش حاضر با رویکرد کمی و شیوه همبستگی و با تکنیک پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز است. تعداد آنها ۵۵۸۹ نفر بوده و با استفاده از فرمول کوکران و شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، ۶۵۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. واحد تحلیل در این پژوهش، فرد می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Spss استفاده شده است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد اعتماد اجتماعی، فرهنگ سازمانی، دینداری، اخلاق سایبری و اشتراک دانش استفاده شده است. برای اندازه‌گیری فرهنگ سازمانی و اعتماد اجتماعی در این پژوهش، از پرسشنامه استاندارد فرهنگ سازمانی دنیسون اعتماد اجتماعی و برای سنجش دینداری هم از پرسشنامه گلاک اشتراک استفاده شده است. برای سنجش اشتراک دانش، از پرسشنامه اشتراک دانش الگوی آجنز استفاده شده که دارای ۲۲ سؤال در قالب طیف لیکرت است. این پرسشنامه دارای ابعاد تسهیم دانش و تجربه، قصد تسهیم دانش و تجربه، نگرش به تسهیم دانش و تجربه، کنترل رفتاری در تسهیم دانش و تجربه، هنجار ذهنی در تسهیم دانش و تجربه است. برای اندازه‌گیری اخلاق سایبری از پرسشنامه مطالعه ماسروم و همکاران با عنوان اخلاق سایبری و رفتار اینترنتی دانشجویان مالزیایی استفاده شده است. در پژوهش حاضر، اخلاق سایبری با معرف‌هایی نظیر مالکیت فکری، حریم خصوصی، دسترسی به اینترنت و رفتار سایبری در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته جهت حصول اعتبار، با انجام پیش‌آزمون^۲، با استفاده از اعتبار صوری^۳ و آلفای کرونباخ اصلاح‌نهایی گویه‌ها انجام

1. Palo and Charles
2. Pre-Test
3. Face Validity

گرفت. براساس نتایج ارزیابی نهایی متخصصان (۵ نفر از استادان گروه علوم اجتماعی و ۵ نفر از استادان گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی) گویه‌ها دارای اعتبار کافی بوده و همچنین نتایج تحلیل پایایی^۱ با استفاده از آلفای کرونباخ، به تفکیک متغیرها برآورد شده است. ضرایب پایایی برای اخلاق سایبری (۰/۷۷۶) و متغیر وابسته پژوهش ۰/۸۱۲ است. این امر، حاکی از آن است که گویه‌های انتخاب‌شده برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق مناسب بوده‌اند.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، نزدیک به ۴۰ درصد را دانشجویان دختر و ۴۷ درصد را دانشجویان پسر تشکیل می‌دهند و ۱۳ درصد هم به این سؤال پاسخ نداده‌اند. براساس وضعیت تاهل ۶۵ درصد از دانشجویان تحصیلات تکمیلی مجرد و ۱۴ درصد متاهل هستند و ۲۱ درصد هم به این سؤال پاسخی ندادند. پاسخگویان پژوهش حاضر به لحاظ مقطع تحصیلی حدود ۴۸ درصد کارشناسی ارشد و ۳۳ درصد دکترا بودند و ۱۹ درصد هم پاسخ نداده‌اند که در جدول (۱) مشخص است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی پاسخگویان شرکت‌کننده در پژوهش

متغیرهای توصیفی	متغیر اصلی	تعداد	درصد	میانگین	انحراف استاندارد		
						جنس	وضعیت تاهل
دختر	اشتراک دانش	۲۵۵	۳۹/۲۳	۸۴/۵۹	۱۰/۶۵	وضعیت تاهل	
	اشتراک دانش	۳۰۹	۴۷/۵۳	۸۳/۸۵	۱۱/۵۸		
مجرد	اشتراک دانش	۴۳۲	۱۴/۴۶	۸۳/۸۹	۱۱/۴۳	وضعیت تاهل	
	اشتراک دانش	۹۴	۶۵/۰۷	۸۴/۴۷	۱۰/۰۸		
مقطع تحصیلی	اشتراک دانش	۳۱۱	۴۷/۸۴	۸۲/۹۷	۱۱/۲۹	مقطع تحصیلی	
	اشتراک دانش	۲۱۵	۳۳/۰۷	۸۵/۴۸	۱۰/۹۱		

برای آزمون رابطه بین اخلاق سایبری و اشتراک دانش از آزمون ۲ پیرسون استفاده شده که نتایج آن نشان می‌دهد با $\text{sig}/0.00 =$ رابطه کاملاً معنی‌دار بین اخلاق سایبری و اشتراک دانش وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده 0.374 بوده که نشان‌دهنده همبستگی متوسط و مستقیم است. یعنی با رعایت اخلاق سایبری در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی، میزان اشتراک دانش آنها افزایش پیدا می‌کند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی بین ابعاد اخلاق سایبری و ابعاد اشتراک دانش نشان داد که:

- همبستگی بعد مالکیت فکری اخلاق سایبری با همه ابعاد اشتراک دانش به غیر از قصد تسهیم دانش و تجربه رابطه مستقیم و معنی‌داری در سطح اطمینان 0.99 دارد.
- نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بعد حریم خصوصی اخلاق سایبری با همه ابعاد اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بعد حریم خصوصی با شدت همبستگی متوسط، همبستگی مستقیمی با اشتراک دانش دارد.
- همبستگی بین دسترسی به اینترنت اخلاق سایبری با همه مؤلفه‌های تشکیل دهنده اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. نتایج نشان می‌دهد که دسترسی به اخلاق سایبری با شدت همبستگی متوسط با اشتراک دانش رابطه مستقیمی دارد.
- نتایج نشان می‌دهد که بعد رفتار سایبری با مؤلفه‌های تشکیل دهنده اشتراک دانش با اطمینان 0.99 همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد.

جدول ۲. نتایج رابطه بین اخلاق سایبری و اشتراک دانش و ابعاد آن

متغیرها	اشتراک دانش	تسهیم دانش و تجربه	قصد تسهیم دانش و تجربه	نگرش در تسهیم دانش	کنترل رفتاری در تسهیم	هنجار ذهنی در تسهیم
مالکیت فکری	0.102^{**}	0.087^{*}	0.065	0.176^{**}	0.091^{*}	0.180^{**}
حریم خصوصی	0.233^{*}	0.150^{**}	0.134^{**}	0.282^{**}	0.096^{*}	0.165^{**}
دسترسی به اینترنت	0.217^{**}	0.117^{**}	0.098^{*}	0.310^{**}	0.162^{**}	0.149^{**}
رفتار سایبری	0.329^{**}	0.218^{**}	0.140^{**}	0.306^{**}	0.226^{**}	0.224^{**}
اخلاق سایبری	0.374^{**}	0.244^{**}	0.197^{**}	0.327^{**}	0.242^{**}	0.296^{**}

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که متغیر اعتماد اجتماعی با اشتراک دانش و ابعاد آن همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که

فرهنگ سازمانی با اشتراک دانش و ابعاد آن با شدت همبستگی متوسط رابطه مستقیم و معنی داری دارد. همچنین بین دینداری و اشتراک دانش و ابعاد آن همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد.

جدول ۳. نتایج رابطه بین اخلاق سایبری و اشتراک دانش و ابعاد آن

متغیرها	اشتراک دانش	تسهیم دانش و تجربه	قصد تسهیم دانش و تجربه	نگرش در تسهیم دانش	کنترل رفتاری در تسهیم	هنجار ذهنی در تسهیم
اعتماد اجتماعی	۰/۴۴۴**	۰/۳۹۶**	۰/۲۹۰**	۰/۴۱۱**	۰/۴۳۱**	۰/۴۱۳**
فرهنگ سازمانی	۰/۳۳۳۶**	۰/۳۱۷**	۰/۳۱۹**	۰/۰۴۶	۰/۳۰۴**	۰/۳۳۲۷**
دینداری	۰/۲۵۹**	۰/۲۷۵**	۰/۰۱۶	۰/۰۸۶*	۰/۱۸۱**	۰/۲۲۴**

برای انجام تحلیل رگرسیون چندگانه، از روش گام به گام استفاده شده است. براساس نتایج جدول (۴) و (۵) ضریب تعیین برابر با ۰/۲۹۴ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۹۱ می‌باشد که بیانگر این مطلب است که ۲۹ درصد از واریانس اشتراک دانش به وسیله متغیرهای اعتماد اجتماعی، فرهنگ سازمانی و اخلاق سایبری تبیین می‌شود. آماره دوربین واتسون که مقدار آن در پژوهش حاضر (۱/۹۸) می‌باشد، نشان‌دهنده مستقل بودن باقیماندهها از یکدیگر است. پیشفرض مربوط به خطی بودن متغیرها از طریق آزمون آنالیز واریانس بررسی میشود که سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ نشان‌دهنده رابطه خطی است. ضرایب بتا در جدول (۵) نشان‌دهنده میزان تغییر در متغیر وابسته به ازای یک واحد تغییر در متغیرهای مستقل است. بنابراین با توجه به سطح معنی داری کمتر از (۰/۰۵) و مقادیر بتا چنین استنباط می‌شود که بین متغیرهای مستقل و وابسته ارتباط معنی داری مثبت برقرار است.

جدول ۴. آماره های تحلیل رگرسیون چندگانه و خلاصه مدل رگرسیونی برازش شده

ضریب همبستگی چندگانه	۰/۵۴
ضریب تعیین	۰/۲۹
ضریب تبیین شده تصحیح شده	۰/۲۹
اشتباه معیار	۹/۲۳
آزمون دوربین واتسون	۱/۹۸
	F = ۸۳/۷۳۱ = کمیت F
مقدار	p = ۰/۰۰۰

جدول ۵. ضرایب بتای متغیرهای مربوط به مدل رگرسیونی اشتراک دانش

متغیرها	B	خطای معیار	BETA	T	سطح معنی داری
اعتماد اجتماعی	۰/۴۵۱	۰/۰۴۳	۰/۴۱۳	۱۰/۵۳	۰/۰۰۰
فرهنگ سازمانی	۰/۱۳۳	۰/۰۳۲	۰/۱۵۴	۴/۱۶	۰/۰۰۰
اخلاق سایبری	۰/۱۱۵	۰/۰۳۲	۰/۱۳۰	۳/۵۴	۰/۰۰۰

نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش با تأکید بر نقش اخلاق سایبری در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز است. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که اخلاق سایبری و ابعاد آن با اشتراک دانش و ابعاد اشتراک دانش، رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. برای آزمون فرضیه رابطه بین اخلاق سایبری و اشتراک دانش از آزمون همبستگی استفاده شد که نتایج آزمون نشان می‌دهد بین اخلاق سایبری و اشتراک دانش، رابطه کاملاً معنی‌داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین این دو متغیر، حاکی از همبستگی متوسط و مستقیم می‌باشد. به عبارت دیگر، با بالا رفتن میزان اخلاق سایبری در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی، میزان اشتراک دانش آنها افزایش می‌یابد. نتایج تفصیلی آزمون همبستگی نشان می‌دهد که ابعاد پنج‌گانه اخلاق سایبری با ابعاد پنج‌گانه اشتراک دانش همبستگی مثبت و معنی‌داری با شدت متوسط و جهت مستقیم وجود دارد. ضرایب بتای تحلیل رگرسیون هم نشان می‌دهد که بعد از اعتماد اجتماعی و فرهنگ سازمانی، اخلاق سایبری سهم بیشتری در تبیین اشتراک دانش دارد. رابطه میان اخلاق سایبری و اشتراک دانش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که رعایت اصول اخلاقی در فضای مجازی و توجه به ابعاد مختلف آن می‌تواند بستر مناسبی برای ترویج مشارکت‌های دانش‌محور در بین دانشجویان فراهم آورد. به نظر می‌رسد که پایبندی به اخلاقیات در حوزه دانش و استفاده از یافته‌های پژوهشگران و اندیشمندان دیگر می‌تواند بسترهای مفید برای رفتارهای هنجاری مرتبط با اشتراک دانش را فراهم سازد. این یافته با نتایج پژوهش‌های اولایسن و ری وانگ (۲۰۱۷)، گار و همکاران (۲۰۲۳) همسویی دارد.

یافته‌های تحقیق نشان داد که فرهنگ سازمانی با اشتراک دانش، همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. به نظر مک دمورت (۲۰۰۱) در سازمان‌های دارای فرهنگ اشتراک دانش افراد، ایده‌ها و بینش‌های خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد، برای اینکه آن را نه اجبار بلکه

یک فرآیند طبیعی می‌دانند (کزازی و همکاران، ۱۳۸۸). فرهنگ سازمانی مبتنی بر مشارکت و همکاری، نقش حیاتی در تسهیل فرآیند اشتراک‌گذاری دانش ایفا می‌کند و از این رو، ایجاد فضایی فرهنگی مناسب در دانشگاه‌ها توصیه می‌شود. اگر بخواهیم از نظریه مبادله اجتماعی ریچارد امرسون کمک بگیریم بهتر می‌توان رابطه بین فرهنگ سازمانی مبتنی بر مشارکت و چگونگی اشتراک دانش در بین دانشجویان را تبیین کرد. براساس این نظریه، زمانی که دانشجویان به دنبال تبادل منبع ارزشمندی نظیر دانش برآیند، فرصت‌هایی نظیر استفاده از یافته‌های جدید پژوهش‌ها، قرار گرفتن در یک شبکه انتقال دانش و خلق دانش جدید به وجود می‌آید. بنابراین از این طریق دانشجویان در یک نظام ساختاریافته مبادله دانش قرار می‌گیرند. این یافته با نتایج پژوهش‌های ارسطوپور و همکاران (۱۴۰۰) و انصاری و همکاران (۱۴۰۰) همسویی دارد.

یکی از یافته‌های پژوهش حاضر، ارتباط معنیدار بین اعتماد اجتماعی و اشتراک دانش است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که اعتماد اجتماعی و ابعاد آن نظیر صراحت، صداقت، اطمینان، تمایل و اعتماد نهادی نقش کلیدی در اشتراک دانش دارد. به نظر می‌رسد که هر چقدر میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی افزایش یابد، میزان تمایل آنها به اشتراک دانش و تجربه هم افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که اعتماد اجتماعی، کارایی و اثربخشی کنش‌های فرستنده و گیرنده دانش را بهبود بخشیده و هزینه‌های فرآیند اشتراک دانش را پایین می‌آورد و کنشگران تسهیم دانش را به عامل توانایی تبدیل می‌کند که می‌توانند دانش و اطلاعات جدیدی تولید کنند و آن را به دیگران انتقال دهند و از اینکه اطلاعات آنها مفید فایده دیگران قرار می‌گیرد احساس رضایت می‌کنند. اشتراک دانش، زمانی صورت می‌گیرد که فرستنده دانش هراسی از سوء استفاده از دانش و اطلاعات خود توسط گیرندگان دانش نداشته باشد و گیرندگان دانش هم با صداقت با اطلاعات و دانش انتقال‌دهندگان دانش رفتار کنند تمایل به تسهیم دانش افزایش می‌یابد. نظریه مبادله اجتماعی هم مؤید این یافته است، به نحوی که براساس این نظریه، درک مورد اعتماد واقع شدن توسط گیرنده دانش، انگیزه وی برای تشریح دانش با این فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۱). این یافته با نتایج پژوهش‌های ناتان و همکاران (۲۰۱۷)، هرمان و گیگیلوتی (۲۰۲۵) و اندایش (۱۴۰۳) همسویی دارد.

یکی از یافته‌های پژوهش حاضر، همبستگی بین متغیر دینداری با اشتراک دانش می‌باشد. با تأمل در مبانی معرفت دینی چنین استنباط می‌شود که کسب دانش و معرفت و انتشار آن در دین اسلام اهمیت بسزایی دارد. تا جایی که در حدیث زکات العلم نشره با این واقعیت مواجه هستیم که حبس دانش و صرف ذخیره کردن آن در دین اسلام نهی شده و به جای آن به انتشار و تسهیم و اشتراک آن به دیگران توصیه شده است. با جستجوی پایگاه

های علمی مشخص شد که در ارتباط با دینداری و اشتراک دانش مطالعه‌های صورت نگرفته است. به نظر میرسد افرادی که به اصول اخلاقی و ارزش‌های دینی باور دارند، احساس امنیت روانی بالاتری دارند و این اعتماد و امنیت روانی، زمینه را برای اشتراک دانش و تجربه فراهم می‌سازد.

بنابراین براساس یافته‌های این پژوهش پیشنهاد میشود که دانشگاه بسترهای مناسب را برای اشتراک دانش ضمنی و آشکار فراهم سازد. در این راستا، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه بسترهای اشتراک دانش آنلاین را با منابع اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی و استادان فراهم سازد. با توجه معنی‌داری بعد مالکیت فکری اخلاق سایبری با اشتراک دانش پیشنهاد می‌شود که دانشگاه با استفاده استادان گروه حقوق کارگاههای آموزشی درخصوص مالکیت معنوی و فکری و تشریح الزامات و قواعد آن برای دانشجویان برگزار کنند تا احترام به مالکیت معنوی و فکری در بین دانشجویان نهادینه شود. همچنین با توجه به رابطه معنی‌داری بعد رفتاری اخلاق سایبری با ابعاد اشتراک دانش پیشنهاد می‌شود که در دانشکده‌های مختلف کارگاهها و دوره‌های نحوه استفاده از فضای مجازی و اینترنت و لزوم رعایت اخلاق در بازتوزیع مقالات و پژوهش‌های همکلاسان و استادان برگزار شود این امر کمک می‌کند تا بداخلاق‌های پژوهشی و کپی برداری‌های نادرست و جعل منابع در پژوهش‌ها کاهش یابد.

منابع

ارسطوپور، ش، کفاشان کاخلی، م، محمدیان، زهرا. (۱۴۰۰). سنجش فرهنگ سازمانی و موانع اشتراک دانش با هدف طراحی زیرساخت اشتراک دانش. *پژوهش نامه کتابداری و اطلاع رسانی*، ۱۱(۲): ۱۱-۲۱. ۱۸۷-۲۱۰. اعظمی، م، نادری مهدیی، ک، زلیخائی سیار، ل، پویا، مهرداد. (۱۳۹۷). واکای سرمایه اجتماعی و اشتراک و تبادل دان بین دانشجویان دختر دریک دانگاه تک جنسیتی، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، ۷(۱): ۵۹-۸۶.

انصاری، خ، صالحی، ا، امیری، ه. (۱۴۰۰). ارائه مدل تسهیم دانش با رویکرد مدیریت دانش، *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، ۲۷(۸۲): ۱۰۸-۶۳.

اندایش، س، ا، کیان راد، ز. (۱۴۰۳). تأثیر تعهد و اعتماد بر تسهیم دانش و کاربرد دانش در سازمان کتابخانه های عمومی کشور، *فصلنامه بازیابی دانش و نظام های معنایی*، انتشار آنلاین.

باقری مالکآبادی، ل، طاهری، م. (۱۳۹۹). بررسی رابطه تسهیم دانش و نوآوری فردی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علامه طباطبایی. *فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، ۵(۱۹): ۲۳-۳۸.

پورقهرمانی، ب. (۱۳۹۱). اخلاق رایانه‌ای، اصول و قواعد آن از منظر اسلام و مقررات بین المللی و داخلی، *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، ۴(۱۲-۱۳): ۷۳-۹۳.

پرنده، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی با فرآیند تسهیم دانش در بین دبیران متوسطه شهر سهند، پایاننامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشکده علوم انسانی و تربیت بدنی، دانشگاه تبریز.

سلیمی، ق، حیدری، ا و کشاورزی، ف. (۱۳۹۲). تبیین رابطه التزام دانشجویان و رفتار تسهیم دانش در دانشگاه: سهم متغیر نگرش به تسهیم دانش. *تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی*، ۴ (۴۷): ۳۵۱-۳۷۴.

شیرازی، ع، همایونی راد، م ح. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر فرهنگ مبتنی بر دانش بر اشتراک دانش با تعدیل گری نقش گرایش به اعتماد، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۸ (۲۷): ۹۹-۱۱۸.

جباری، ل، حسن زاده، م، زندیان، ف؛ شریف، ع. (۱۴۰۳). اشتراک دانش در رسانه‌های اجتماعی: مطالعه کتاب‌سنجی و دگرسنجی بروندهای پژوهشی، پژوهشنامه علم‌سنجی، *دوفصلنامه علمی دانشگاه شاهد*، ۱۰ (۱): ۷۷-۹۸.

حسین قلی زاده، رضوان؛ میرکمالی، سید محمد (۱۳۸۹). عوامل کلیدی مؤثر بر اشتراک دانش، *نامه آموزش عالی ایران*، ۳: ۶۱-۷۸.

صادقی، ح، عباسی، ا؛ قاسمی، ع. (۱۴۰۰). مسئولیت مدنی دولت در فضای سایبر با نگاهی به آموزه‌های اخلاق سایبری، *اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۶ (۱): ۱-۸.

صادقی آ، زهرا؛ میرغفوری، س. ح، ثابت، ز. (۱۳۹۲). تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در فضای سایبری و عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر آن: بررسی ارتکاب به جرایم اینترنتی در کاربران اینترنت شهرستان یزد، *اخلاق در علوم و فناوری*، ۸ (۱): ۶۰-۷۱.

زمردیان، غ، رستمی، ع. (۱۳۸۹). استقرار نظام مدیریت دانش مبتنی بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۸)، *مجله حسابداری مدیریت*، ۳ (۵): ۴۵-۶۳.

عباس زاده، م، قاسم زاده، د. (۱۳۹۷). اشتراک دانش؛ حلقه مفقوده در اجتماعات علمی، *راهبرد فرهنگ*، ۴۲: ۱۴۷-۱۷۶.

علیزاده اقدم، م. ب، عباس زاده، م؛ آفایاری هیر، ت، قاسم زاده، د. (۱۳۹۷). بی‌اعتمادی اجتماعی در اشتراک دانش به مثابه مسأله اجتماعی، *بررسی مسایل اجتماعی ایران*، ۹ (۳): ۱۶۵-۱۸۳.

قاسم زاده، د، علیزاده اقدم، م. ب. (۱۴۰۳). مطالعه جامعه شناختی نقش جمع‌گرایی فرهنگی در اشتراک دانش، *فصلنامه بازیابی دانش و نظام معنایی*، ۱۱ (۴۱): ۶۳-۸۴.

کرزازی، ا، طیبی، ح، طباطبائی، س. ح، انصاری، ر. (۱۳۸۸). رابطه فرهنگ سازمانی و موفقیت در جهاد دانشگاهی. *راهبرد فرهنگ*، ۲ (۷): ۷۵-۱۰۱.

کوشا، غلام حیدر (۱۳۹۱). اخلاق دینی و تعامل سایبری، *معرفت اخلاقی*، ۳ (۲): ۱۱۷-۱۴۱.

واله، ا، افراسیابی، ر؛ سلیمان پور عمران، م. (۱۴۰۳). تبیین مدل ساختاری رفتار اشتراک دانش براساس مزایای اشتراک گذاری دانش با میانجیگری فضای روانشناختی سازمانی، *مجله علوم روانشناختی*، ۳۳ (۱۴۰): ۱۸۳-۱۹۸.

- Abdullah, N. L., Hamzah, N., Arshad, R., Isa, R. M. & Ghani, R. A. (2011). Psychological contract and knowledge sharing among academicians: mediating role of relational social capital. *International Business Research*, 4(4), 231.
- Chen, P, Kuo, S. (2017). Innovation resistance and strategic implications of enterprise social media websites in Taiwan through knowledge sharing perspective. *Technological Forecasting & social change*, 1-15.
- Gaur, N., & Gupta, V. (2023). Analyzing the Concatenation Between Ethics and Knowledge Culture in Indian IT Sector. Sage Open, 13(4). <https://doi.org/10.1177/21582440231209141>
- Herman, N. L., & Gigliotti, R. A. (2025). Examining the relationship between knowledge sharing and leadership learning among staff in higher education institutions. *Journal of Higher Education Policy and Leadership Studies*, 6(2),48 -66. <https://dx.doi.org/10.61186/johepal.6.2.48>
- Martinsons, M. G. and Ma, A (2009), sub-cultural differences in information ethics across china: Focus on Chinese Management generation gaps, *Journal of the Association for information systems*, 10(11): 816-833.
- McDermott R, O'Dell C. (2001). Overcoming culture barriers to sharing knowledge, *Journal of Knowledge Management*; 5(1): 76-85.
- Mazorodze, A. H., & Buckley, S. (2019). Knowledge management in knowledge-intensive organisations: Understanding its benefits, processes, infrastructure and barriers. *South African Journal of Information Management*, 21(1), a990. <https://doi.org/10.4102/sajim.v21i1.990>
- Nathan, R. J, Musah, Ibrahim, A, Solarin, D, G. (2017). An exploratory study on knowledge sharing behaviors of university students in Singapore, *international journal of Advanced and Applied sciences* 4(5); 56-61.
- Nonaka, I. (2007). The knowledge-creating company. *Harvard Business Review*, 85(7/8), 162-171.
- Omar, E. M, Khalil Ahmed, A. s, Seleim. (2012). Attitudes towards information ethics: a view from Egypt, *Journal of information, Communication and Ethics in society*, 10(4): 240-261.
- Olaisen, Johan, Revang, Oivind. (2017). The dynamics of intellectual property rights for trust, knowledge sharing and innovation in project teams, *international Journal of information management* ,37; 583-589.
- Palo, S, Charles, L. (2016). Investigating Factors affecting Knowledge sharing Intention of Salespeople, *Management and Labour studies*, 40(3& 4): 1-23.
- Trehan, A. & Kushwaha, P. (2012). The implementation of Knowledge Management System in B-Schools. *International Journal of Multidisciplinary*

Management Studies, 2(2):252-260.

Yeon, K. N, Wong, S. F, Chang, Younghoon, P, M. (2015). Knowledge sharing behavior among community member in Professional research information center, *Information development*, 5(3), 1-18.